



۲۲ جولای، ۲۰۲۴

فوزیه عباس اعتمادی

## زنان افغانستان در گذرگاه زمان تحقیق مصور از عصر سنگ تا امروز



### فصل سوم

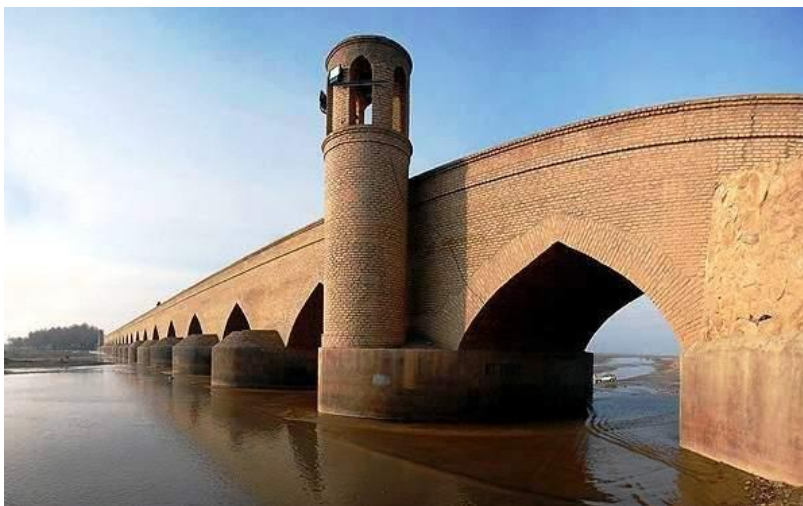
#### زنان افغانستان در آغاز ادوار اسلامی

با ظهور دین مبین اسلام در نیمه قرن هفتم میلادی تغییراتی بزرگی در تمام امور اجتماعی یعنی عقاید، رسوم، عنعنات، طرز فکر و حتی رسم الخط کشورهای شرقی پدید آمد. در صدر اسلام، چنانچه از نوشته های تاریخی آندوره پیداست، زنان در دوره حیات پیامبر اسلام و خلفای راشدین دارای عزت و اعتبار زیادی بودند و نقش بارزی در حیات اجتماعی مدینه منوره داشتند. در هنگام حیات پیامبر اسلام، زنان مدینه و مکه به نزد حضرت محمد (ص) می آمدند، اندرز میشنیدند و به راه راست هدایت میشدند.

در دین مبین اسلام **مادر مقام ارجمندی** داشت و زنان در امور زندگی با حضرت پیغمبر (ص) ملاقات میکردند و از حضور شان خواستار رهنمایی و مشورت میشدند. اما با تغییر زمان بعد از دوره خلفای راشدین و رویکار آمدن خلفای اموی و عباسی آهسته آهسته جامعه اسلامی از نگاه سیاسی، اداری و طرز اندیشه دستخوش تحولات و تغییرات زیادی گردیده و نقش زنان به تدریج در قرن های دوم و سوم هجری کم رنگتر شد. از اینرو در جامعه **مرد سالاری** آنوقت مورخین آندوره نظر به شرایط حاکم آن زمان از زنان کمتر صحبت کرده اند. با آنهم در سرزمین ما به زنانی بر میخوریم که تاریخنگاران در مورد آنها مطالبی نوشته اند و در این بررسی تا جای که اسناد تاریخی در دست است به شرح کارنامه های شان میپردازیم.

### **بی بی حور و بی بی نور:**

از زنان معروف این دوره در افغانستان که نامهای شان در اسناد تاریخی ذکر یافته دو خواهری می باشد به نام های **بی بی حور و بی بی نور** که نظر به گفته **میرخوند** مؤلف کتاب حبیب السیر در گذشته های دور، در قرن دوم هجری مطابق به قرن هشتم میلادی زندگی میکرده یا شاید به اساس بعضی از باورها و روایات مردم هرات در اعصار پیش از اسلام زندگی میکرده اند. به هر ترتیب داستان این دو خواهر نهایت دلچسپ است. زیرا نظر به عقاید مردم هرات این دو خواهر خیرخواه در اعمار پل مالان که به طرف جنوب دروازه قندهار موقیعت دارد نقش ارزشمندی داشته اند. قرار تحقیق خانم دوپری تاریخ نگار امریکایی این دو خواهر خیرخواه در کنار دریای هریرود مزرعه سرسبزی داشتند که بخش مرغ داری بزرگ ونهر آبی دران قرار داشت. بی بی حور و بی بی نور هر روز متوجه میشدند که مردم و کاروانهای تجارتي به مشکل از دریای هریرود میگذرند. مخصوصاً در وقت آبخیزی مشکلات آنها دوچندان میگردد. ازینرو این دو خواهر خیرخواه در صدد آن شدند تا برای سهولت مردم پلی را تعمیر کنند که هر دو قریه را بهم وصل نموده عبور و مرور اهالی منطقه را آسان تر سازد. ازینجهت با اهالی قریه ها و دهکده های دور و نزدیک در تماس شدند و به جمع آوری پول پرداختند. در داستانهای محلی هرات آمده که هر دو خواهر متدین، مالدار و زمیندار بودند و باشندگان منطقه به آنها اعتماد زیاد داشت. بی بی حور و بی بی نور اهالی دهکده ها، تاجران و مردمان ثروتمند را تشویق نمودند تا پول هنگفت و مقدار زیادی تخم مرغ را جمع آوری کنند و تخمهای مرغ را با گل مخلوط نموده و آنرا در ساختن پل کار بگیرند تا در مقابل امواج آب مقاوت پیدا کند.



منظره ای از پل مالان در هرات

بعد از مدتی با زحمت و پشتکار اهالی دهکده مالان و شهادت این دو خواهر با همت پل بزرگی که یکی از طولانی ترین پل های تاریخی افغانستان است اعمار شد و بنام پل مالان شهرت یافت. پل مالان شا نزده رواق دارد و بعد از گذشت نزدیک به هزارسال تا امروز مورد استفاده است. نویسنده تاریخ حبیب السیر می افزاید زمانی که شاهرخ میرزا سلطان عادل هرات از این داستان واقف گردید بر نکوکاری ایندو خواهر آفرین فرستاد و امر کرد تا گنبدی بر مزار آنها اعمار گردد. مقبره بی بی حور و بی بی نور در شهر کهنه هرات موقیعت دارد و تا

هنوز مردم در روزهای چهارشنبه به زیارت شان می روند. در یادداشتهای تاریخی دوران سلطان ابوسعید نیز از ایندو خواهر به نیکی یاد گردیده است<sup>۱</sup>.

مردم هرات اعمار پل مالان را به داستان عاشقانه " زهره و فریدون" نیز ارتباط میدهند که این آهنگ فلکلوریک مربوط آن داستان میباشد.

### " سرپل مالان دختری دیدیم قشنگ وزیبا اورا پسندیدم"

در مورد پل مالان روایاتی زیادی موجود است چنانچه در برخی اسناد تاریخی ذکر گردیده که این پل در دوران شاهان سلجوقی اعمار گردیده است. ولی به هر صورت نام ایندو خواهر نیکوکار تا هنوز در شهر هرات بر سر زبان ها است و مردم احترام خاصی به آنها دارند، و اکنون به شرح زندگانی یکی از بانوان مهم ایندوره می پردازیم

#### مرجیله هروی:

یکی از زنان دیگر مشهور خراسان آنوقت یا افغانستان امروز زن شجاعی بنام **مرجیل** میباشد که زندگانی پر از نشیب و فراز و دلچسپی دارد. مؤرخین عرب نام او را **مرجیله** نوشته اند. **مرجیله دختر سیس هروی** بود. پدر **مرجیل** در بین مردم هرات به اسم **استاد سیس** شهرت داشت. **استاد سیس** با فصاحت و بلاغت حرف میزد و سخنران ماهری بود. او رهبر نهضت **سفید جامه گان** هرات بود. چون بعد از کشته شدن ناجوانمردانه ابومسلم خراسانی بدست ابوالعباس سفاح خلیفه بغداد **سیس هروی علم سفید آزادی** را در مقابل خلفای عباسی که **پیرق سیاه** داشتند برداشت.

**مرجیل** در سخنرانی های پدرش در برابر ظلم و تعدی المهدی خلیفه بغداد و هارون الرشید اشتراک می کرد و مردم را به آزادی خواهی تشویق مینمود. مؤرخین عرب در وصف **مرجیل** نوشته اند که **مرجیله** زن بلند قامت ، شجاع و سبزه رنگ بود که پهلو به پهلو پدر به مبارزه می پرداخت. **مرجیل** با کمال آزادی در کنار پدر زندگی داشت تا اینکه هارون الرشید برای سرزنش و دستگیری او و پدرش بالشکر مقتدری به هرات آمد. **سیس** با دختر و پیروانشان به کوه های اطراف هرات پناه بردند و در آنجا پایگاه نهضت آزادی خود را بنا کردند. لیکن مخبران و جاسوسان هارون الرشید مرکز مقاومت آنها را به خلیفه افشا کردند و همان بود که هارون الرشید با زنده ترین عساکر خود به پایگاه آنها شبخون زد و امر کرد که بعد از کشتن تمام پیروان شان **مرجیله** و پدرش را زنده بیگیرند و اسیر نمایند. گویند هارون الرشید آنها را در بغداد در محضر عام مجازات نمود و **سیس** را زندانی کرد که در همانجا کشته شد ، اما **مرجیله** را در حرمسرای خود به کنیزی خانمش (زبیده خاتون) گماشت. بنا بر روایات تاریخی آندوره **مرجیل** با وصف آنکه از مرگ جانگداز پدر و همراهانش سخت دلگیر و آزرده بود هیچ گاهی غرور و عزت نفس خود را از دست نداد تا اینکه به عنف از هارون الرشید باردار گردید و از او پسری به دنیا آمد که در تاریخ به نام **مامون الرشید** معروف است.



تصویر مامون الرشید پسر مرجیله

<sup>۱</sup> استاد سیس - قاموس کبیر افغانستان

مرجیله مامون الرشید فرزند خود را با زیور علم و احساس انسانی و آنچه از پدر دانشمندش آموخته بود پرورش و تربیت داد. مامون مردی رشیدی شد که در رزم و دانش از برادرش امین الرشید که از مادر عرب تولد شده بود برتری داشت. مورخین نوشته اند که امین مرد عیاش و بی مسئولیتی بود، اما مامون به حیث شخصیت مصمم، قاطع و مسئولیت پذیر شهرت داشت. تاریخ نگاران زیادی مانند (طبری) نوشته اند که مامون به خاطر کار دانی و لیاقتش والی خراسان شد و مرجیله همراه با پسرش وارد شهری گردید که زادگاهش بود و عزیزانش را در آنجا از دست داده بود. او از فرزندش خواست تا در رفاه عامه و آبادی آن شهر کوشش فراوان نماید. بعد از مرگ هارون الرشید امین که ولیعهد او بود بر تخت خلافت نشست، اما نظریه عقده ای که به مامون داشت امر کرد تا او را دستگیر نموده نزدش بیاورند. مامون پذیرفت و به کمک **ظاهر فوشنجی** که از مردم هرات بود قوای امین را شکست داد و سپس خلافت بغداد به او رسید. قراریکه گفته میشود مرجیله منحیث مادر خلیفه و یک ملکه با اقتدار مصدر خدمات زیادی در بغداد شد و به آبادی خراسان پرداخت؛ و این بود داستان مرجیله دختر سیس هروی زن مبارزی که از آزادی به اسارت در آمد و از کنیزی با همت عالی، صبر، شکیبایی، اعتماد به نفس و اعتقاد راسخ به عدالت خواهی ملکه مقتدر جهان اسلام شد و به حیث مادر معنوی مسلمانان شهرت یافت.

### خدیجه سرخسی:

نظر به روایات مؤرخین عرب وقتی مرجیله به هرات آمد در جستجوی خانمی برای فرزندش خلیفه مامون الرشید گردید که هم سوبه علمی داشته و هم درخور مقام همسری با خلیفه باشد. درین وقت دختری جوان شاعری بنام خدیجه سرخسی در شهر هرات زندگی میکرد که در شعر، ادب و علم و دانش زبانزد خاص و عام بود.

او دختر حسن بن سهل از مردم سرخس بود. ناحیه سرخس در شمال ولایت هرات در مرز ترکمنستان و ایران امروزی موقعیت دارد. ولی در آنگاه جزء ولایت هرات بود. این دوشیزه نیکو اخلاق و دانشمند در سال ۲۱۰ هجری قمری ملکه مامون الرشید گردید و سپس به بغداد رفت. او در بغداد به زبان عربی تسلط کامل پیدا نمود تا اندازه ای که اشعار شیوایی به زبان عربی می سرود. اشعار عربی خدیجه سرخسی توسط عبدالرحمان سیوطی در کتاب زنان سخنور " نهضت النساء فی اشعار النساء " به زبان عربی در همین اواخر در قاهره به نشر رسیده است. به گفته تاریخ نگاران عرب وقتی مامون الرشید در بغداد درگذشت خدیجه سرخسی مرثیه ای فصیحی برای شوهرش نوشت که بسیار سوزناک و تأثر انگیز بود.<sup>۲</sup>

در هنگام خلافت مامون الرشید اولین دولت مستقل در خاک افغانستان امروزی در شهر هرات توسط **ظاهر فوشنجی** تاسیس گردید. هرات در بین زمان مرکز سلطنت طاهریان و یک شهر تجارته بود و صنعت فلزکاری و زرگری هرات که به ذوق و فرمایش زنان ساخته میشد، شهرت جهانی داشت.



نمونه های از هنر فلزکاری هرات در قرن سوم هجری

<sup>۲</sup>سیوطی، عبدالرحمن. *نزهة الجلساء فی اشعار النساء*. قاهره، مصر: مكتبة القرآن ص ۳۲

## راتبه هروی:

در زمان پادشاهی محمد بن طاهر بن عبدالله آخرین پادشاه طاهریان بانوی شاعر و موسیقی دانی به نام راتبه هروی در آن شهر پر ازدحام زندگی میکرد و به گفته منهاج سراج جوزجانی، مؤلف کتاب «طبقات ناصری» سخت زیبا روی بود. غزل می خواند و بر بطن مینواخت. چنان زیبا بود که طاهر بن عبدالله شاه خراسان شیفته او شد. اما درین وقت مردی به نام محمود وراق از اهالی نیشاپور او را از خواجه اش خریده وبا خود به نیشاپور برد.

شاه هرات برای محمود وراق پیغام فرستاد که همه زرهای جهان را به تو می فرستم، اما راتبه را بمن باز گردان. محمود به جواب شاه نوشت، شاهها دوچند زر به شما می فرستم اما راتبه رها نمیکنم.



چون راتبه بقیه عمر را در نیشاپور سپری کرد بنام راتبه نیشابوری نیز یاد میگردد، اما متأسفانه از اشعار او چیزی بجا نمانده است.

## منابع:

پوهاند عبدالحی حبیبی " افغانستان در عهد خلفای اموی و عباسی "

قاموس کبیر افغانستان : استاد سیس

التون، دانیل (۱۳۸۹). تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در آغاز حکومت عباسیان.

ترجمه مسعود رجبنیا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

لنگرودی، مقاله استادیسیس، دائرهالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷ش

سیوطی، تاریخ الخلفاء

## References:

Hugh N. Kennedy, "The Early Abbasid Caliphate, a political History"

Croom Helm, London, ۱۹۸۱

"Bosworth, C. E. (۱۹۶۹). "The Tāhirids and Persian Literature